

## فصل هشتم:

## لقب " مصدق السلطنه "

محمد مصدق در سن ۱۰ سالگی بود که پدرش " وزیر دفتر " در سن ۷۵ سالگی درگذشت ( ۱۴ شهریور ۱۲۷۱ خورشیدی ) ، در سن ۱۲ سالگی بود که ناصرالدین شاه قاجار ، لقب « مصدق السلطنه » را به وی عطا کرد. در آنزمان رسم بر این بود که برخی از درباریان و شاهزادگان و وابستگانشان ، اشراف ، روحانیت ، رجال سیاسی و دیوان سالاران مفتخر به دریافت القابی از سوی پادشاه می شدند .

مصدق در کتاب خاطرات و تألمات در اینمورد نوشته است :

« در رژیم قدیم اعطای لقب و ارجاع خدمت مقید بسن و سال نبود و بعد از فوت پدرم که بیش از دوازده سال نداشتم ناصرالدین شاه بمن لقب [ سلطنه ] داد، چه بسیار از مشاغل که شاه در حیات رجال و یا در مماتشان برای قدردانی باولاد آنها محول مینمود و چنانچه بواسطه صغر سن نمی توانستند متصدی کار بشوند پدر و در نبودن او شخص دیگری کفالت میکرد تا آنها بتوانند خود انجام وظیفه کنند. همچنانکه بعد از فوت میرزا یوسف [ مستوفی الممالک ] صدر اعظم میرزا حسن فرزندش که بیش از چند سال نداشت بلقب مستوفی الممالک ملقب و به وزارت مالیه منصوب گردید و تا پدرم حیات داشت از او کفالت می نمود » ( ۳۷ )

پس در آنزمان اعطای لقب و ارجاع خدمت مقید بسن و سال نبود. در بسیاری از موارد این القاب با خود شغل حکومتی و حق مستمری بهمراه داشت. در همین رابطه است که " دوله " ها و " سلطنه " ها و " میرزا " ها و " عزیزالسلطان " ها و " امین السلطان " ها ، و " شیخ الاسلام " ها و " صدرالعلما " ها و " سلطانالعلما " و " رئیسالعلما " ها و " ظهیر الاسلام " ها ... که جمعاً ، " هزار فامیل " را تشکیل می دادند، بخش بسیار بزرگی از منصبها و مقام های بالای لشگری ، مذهبی و اداری را در دوران قاجاریه در اختیار داشتند.

## القاب رجال و مقام های مذهبی در دوران قاجار

مهدی بامداد در رابطه با القاب رجال ، شاهزاده ها و مأمورین دولتی و همچنین بعضی از افرادی که در آستان قدس رضوی در مشهد خدمت می کرده اند ، می نویسد:

« میرزا محمد کاظم متخلص به صبوری پسر حاجی محمد باقر کاشانی متولد در سال ۱۲۷۰ قمری در مشهد بود که در سال ۱۳۲۲ قمری در سن ۵۲ سالگی در اثر مبتلا شدن به بیماری وبا در مشهد درگذشت. سمت نامبرده در اداره آستانقدس رضوی ملک الشعراء بوده و پس از فوتش محمد تقی متخلص به بهار فرزند او ملک الشعراء آستانه شد. چون به عقیده جمعی از مردم، در طریقه شیعه امامیه، امام رضا (ع) را سلطان حقیقی میدانند و بهمین مناسبت در سر در صحن کهنه مشهد در سمت غربی، روی کاشی، به خط طلائی نوشته و نصب شده است:

### السلطان بن السلطان علی بن موسی الرضا.

در این دستگاه مانند دستگاه های دولت های سابق که بسیاری از رجال، بنا بر مد روز، دارای القاب بوده، کارمندان آستانه رضوی نیز دارای القاب بوده اند. مثلا در دستگاه دولت رجالی ملقب به حاجب الدوله - معین الدوله - حسام السلطنه - اقبال الدوله - معتمد الدوله - امین الدوله - قائم مقام - رکن الدوله - ادیب الدوله - صنیع الدوله - اعتمادالدوله و غیره و غیره بوده آستانه مشهد هم حاجب التولیه - معین التولیه - حسام التولیه - اقبال التولیه - معتمد التولیه - التولیه - صنیع التولیه - اعتمادالتولیه و ادیب التولیه - رکن امین التولیه - قائم مقام غیره داشته است. مثلا دولت شاه ملک الشعراء داشته، آستانه امام رضا (ع) هم ملک الشعراء داشته است. چون پادشاهان سابق برای حرمسرای خود خواجه و خواجه باشی داشته اند آستانه هم در چند سال پیش خواجه باشی داشته است اما من نفهمیدم که خواجه باشی در آستانه چه صیغه ای بوده است؟» (۳۸)

## حواشی، توضیحات و مأخذ کتاب اول

۳۷ — مصدق، دکتر محمد، خاطرات و تألمات، به کوشش ایرج افشار، صفحه ۵۴.

۳۸ — بامداد، مهدی، شرح رجال ایران، جلد چهارم، صفحه ۳۴۹. چاپ سوم، چاپ گلشن ۱۳۶۳.